

The Role of Individualistic Social Norms in the Level of Charitable Giving in Society: A Case Study of Iran

Mostafa Kazemi Najafabadi¹

Ahmad Ali Rezaei²

Abstract

While individualism is often perceived as a negative factor that undermines social ethics and reduces participation in charitable activities, this study proposes the hypothesis that individualism—as a set of cultural values and norms that place the individual at the center of decision-making and social responsibility—can play a positive role in enhancing the level of generosity in society. Accordingly, two mechanisms are examined: a direct mechanism, where individualism fosters personal motivations for helping others, and an indirect mechanism, in which individualism promotes economic freedom, thereby facilitating the growth of charitable activities. To empirically test this hypothesis, the Autoregressive Distributed Lag (ARDL) model was applied using quarterly data from Iran over the period 2010 to 2021. The results indicate that individualism has a positive and significant effect on the level of generosity; specifically, a one-percent increase in individualism leads to a 0/43 percent rise in generosity. Furthermore, economic freedom also shows a positive and significant effect, with a coefficient of 1/16 percent. The findings support both proposed mechanisms and suggest that individualism, when properly institutionalized within Iran’s cultural context, can strengthen ethical behaviors such as generosity. Additionally, the variables of economic growth, income inequality, education level, and government size were found to have positive effects, while corruption showed a negative effect on the level of generosity in Iranian society.

Keywords: Social norms, Individualism, Charitable giving.

JEL Classification: D64, Z13, D31, H41.

¹Associate Professor, Department of Economics, Social Sciences Research Institute, Research Institute of Hawzah and University (Corresponding Author)

ORCID: 0000-0003-2271-2714

Email: mostafakazemi@rihu.ac.ir

² PhD Candidate in Economics, School of Humanities, Al-Mustafa International University

ORCID: 0009-0004-3053-924X

Email: Rezai.ahmadali66@gmail.com

نقش هنجارهای اجتماعی فردگرایانه بر میزان بخشش افراد در جامعه: مطالعه موردی کشور ایران

مصطفی کاظمی نجف آبادی^۱

احمد علی رضایی^۲

چکیده

در حالی که فردگرایی معمولاً به عنوان عاملی منفی در تضعیف اخلاق اجتماعی و کاهش مشارکت در امور خیریه تلقی می شود، این پژوهش این فرضیه را مطرح می کند که فردگرایی، به عنوان مجموعه ای از ارزش ها و هنجارهای فرهنگی که فرد را در مرکز تصمیم گیری و مسئولیت پذیری اجتماعی قرار می دهد، می تواند نقش مثبتی در افزایش سطح بخشش ایفا کند. بر این اساس، دو مکانیسم بررسی شده اند؛ مکانیسم مستقیم که فردگرایی را محرک انگیزه های شخصی برای کمک به دیگران معرفی می کند، و مکانیسم غیرمستقیم که در آن فردگرایی از طریق تقویت آزادی اقتصادی زمینه رشد فعالیت های خیریه را فراهم می سازد. به منظور آزمون تجربی این فرضیه، از روش خودرگرسیون برداری با وقفه های توزیعی ARDL و داده های فصلی کشور ایران طی بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که فردگرایی تأثیر مثبت و معناداری بر سطح بخشش دارد؛ به گونه ای که با افزایش یک درصدی در سطح فردگرایی، میزان بخشش در جامعه ۰/۴۳ درصد افزایش می یابد. همچنین، آزادی اقتصادی نیز با ضریب ۱/۱۶ درصد، اثری مثبت و معنادار بر بخشش داشته است. یافته های تحقیق از هر دو مکانیسم حمایت می کنند و نشان می دهند که فردگرایی در بافت فرهنگی ایران، در صورت نهادهای سازشی صحیح، می تواند به تقویت کنش های اخلاقی نظیر بخشش بینجامد. همچنین متغیرهای رشد اقتصادی، نابرابری درآمدی، سطح آموزش و اندازه دولت اثر مثبت، و متغیر فساد اثر منفی بر میزان بخشش در جامعه ایران داشته اند.

کلیدواژه ها: هنجارهای اجتماعی، فردگرایی، میزان بخشش، خیریه.

طبقه بندی JEL: D64, Z13, D31, H41.

۱. دانشیار گروه اقتصاد، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (نویسنده مسئول)

ORCID: 0000-0003-2271-2714

mostafakazemi@rihu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، دانشگاه بین المللی المصطفی (ص)،

ORCID: 0009-0004-3053-924X

Rezai.ahmadali66@gmail.com

مقدمه

ایده اولیه انجام تحقیق حاضر مبتنی بر این سوال می باشد که چرا کشورها در سطوح (و نگرش نسبت به) کمک های خیریه به میزان زیادی با یکدیگر تفاوت دارند؟ بر اساس گزارش بنیاد کمک های خیریه^۱ (۲۰۱۹)، که شاخص اهدای جهانی را برای کشورهای مختلف منتشر می کند، کشورهایی که بهترین عملکرد را در زمینه کمک های خیریه دارند، طیف متنوعی از جغرافیا، مذاهب، فرهنگ و سطوح ثروت را شامل می شوند و وجه مشترک همه آنها تمایل الهام بخش برای بخشش است. این شاخص، نه بر اساس حجم مالی یا سرانه کمک ها، بلکه با سنجش درصد جمعیتی که در یک سال گذشته حداقل یکی از سه فعالیت کمک به غریبه، اهدای پول، یا مشارکت داوطلبانه زمانی را انجام داده اند، تدوین می شود. در جدیدترین رتبه بندی این بنیاد، کشورهایی مانند ایالات متحده، میانمار، نیوزلند، استرالیا، ایرلند، کانادا، بریتانیا، هلند، سریلانکا و اندونزی در صدر فهرست قرار دارند. بنابراین، ممکن است به نظر برسد که هیچ نقطه مشترکی در درک میزان کمک های خیریه در کشورهای مختلف وجود ندارد.

اگرچه به ظاهر نمی توان نقطه مشترکی در میزان بخشش در کشورهای مختلف یافت، اما دلایل خوبی در اقتصاد سیاسی کلاسیک وجود دارد که بر اساس آن می توان انتظار داشت که نهادهای فرهنگی و اجتماعی بر میزان سخاوت و بخشش در سراسر کشورها تأثیر بگذارند.

در این پژوهش، فردگرایی به عنوان یکی از ابعاد فرهنگ اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. فردگرایی در ادبیات نظری، دیدگاهی است که بر اصالت فرد تأکید دارد و جامعه را نه به عنوان یک کل مستقل، بلکه متشکل از افراد مستقل و مختار در نظر می گیرد. در این چارچوب، هر فرد حق دارد اهداف و خواسته های خود را دنبال کند، مشروط بر آن که این کنش ها به حقوق دیگران آسیبی وارد نکند (Hayek, ۱۹۴۸: ۱۱؛ Berlin, ۱۹۶۹: ۱۲۳). از دیدگاه گرت هوفستده، فردگرایی به معنای ترجیح پیوندهای ضعیف بین افراد در جامعه است؛ جایی که هر کس مسئول خود و خانواده درجه یک خود است (Hofstede, ۱۹۸۰: ۲۱۳). همچنین هری تریاندیس، فردگرایی را با تأکید بر خودمختاری، تصمیم گیری فردی و اولویت منافع شخصی نسبت به منافع گروهی تعریف می کند (Triandis, ۱۹۹۵: ۲).

¹ World Giving Index (WGI)

بر این اساس، تعریف مقاله از فردگرایی، برخلاف تصور اولیه، صرفاً به معنای خودمحوری یا بی تفاوتی اجتماعی نیست، بلکه ناظر بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهایی است که فرد را در مرکز تصمیم‌گیری و کنش اجتماعی قرار می‌دهند. هدف این پژوهش آن است که بررسی کند چگونه چنین ارزش‌های فردگرایانه‌ای می‌توانند بر میزان تمایل به بخشش در سطح جامعه، و به طور خاص در بافت فرهنگی ایران، اثرگذار باشند.

برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فردگرایی، به‌ویژه در معنای نهادی و فرهنگی آن، می‌تواند با افزایش سطح درآمد سرانه در کشورها مرتبط باشد؛ زیرا با تقویت مسئولیت‌پذیری فردی، خلاقیت، نوآوری و بهره‌وری اقتصادی همراه است (Gorodnichenko and Roland، ۲۰۱۱: ۴۹۴). با این حال، منتقدان بر این باورند که نوع خاصی از فردگرایی که بر رقابت و خودمحوری افراطی تأکید دارد، ممکن است فعالیت‌های با فضیلت مانند نوع دوستی، همدلی اجتماعی و مشارکت در امور خیریه را تضعیف کند (Bellah et al، ۱۹۸۵: ۱۴۲). بنابراین، لازم است میان فردگرایی در معنای فلسفی و سیاسی کلاسیک، فردگرایی فرهنگی (همچون رویکرد هوفستد)، و فردگرایی اخلاقی یا روان‌شناختی تمایز قائل شد.

در این پژوهش، تمرکز بر فردگرایی فرهنگی در قالب هنجارهای اجتماعی است، نه فردگرایی فلسفی یا سیاسی لیبرالیسم کلاسیک. بر همین اساس، ایده مطرح شده در تحقیق حاضر این است که برخلاف دیدگاه منتقدان، فردگرایی باید کمک‌های خیریه را بهبود بخشد. مکانیسم مطرح شده در این رابطه ریشه در اقتصاد سیاسی کلاسیک دارد که در چارچوب ذهن‌گرایانه و تفسیرگرایانه اقتصاد اتریش نیز احیا شده است (Boettke and Storr، ۲۰۰۲: ۱۸۳).

ساختار مقاله حاضر در ادامه به این صورت می‌باشد که ابتدا مبانی نظری تحقیق در قالب بررسی نقش قوانین و هنجارهای اجتماعی فردگرایانه بر میزان بخشش افراد مطرح و تئوریزه می‌شود. سپس مروری بر پیشینه تجربی تحقیق انجام می‌شود. پس از آن و به منظور اعتبار سنجی فرضیه مطرح شده، مدل آماری تحقیق معرفی شده و روش تحلیل داده‌ها مشخص می‌شود. در ادامه به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده و در نهایت نیز به جمع‌بندی و ارائه خلاصه مطالب پرداخته خواهد شد.

فردگرایی و بخشش

مفهوم فردگرایی در مقابل جمع گرایی

تریاندیس^۱ (۱۹۸۸) توضیح می‌دهد که در فرهنگ‌های فردگرا، رفتار عمدتاً توسط اهداف شخصی و نگرش‌ها و ارزش‌های خانواده‌ها و همکاران تعیین می‌شود، در حالی که رفتار در فرهنگ‌های جمع‌گرا عمدتاً توسط اهداف، نگرش‌ها و ارزش‌های مشترک توسط گروه خاصی از افراد تعیین می‌شود. (جمعیت). همانطور که فرانکه و همکاران^۲ (۱۹۹۱) بیان کرده‌اند، «فردگرایی به جوامعی مربوط می‌شود که در آن پیوندهای بین افراد سست است؛ از هر کس انتظار می‌رود که مراقب خود و خویشاوندان نزدیک خود باشد. . . [در حالی که جمع گرایی] به جوامعی مربوط می‌شود که در آن افراد از بدو تولد به بعد در گروه‌های قوی و منسجم درون گروهی ادغام می‌شوند. مهمتر از همه، فردگرایی به این معنا نیست که جامعه متشکل از افراد مستقل است (Hayek، ۱۹۴۸: ۱۱). در عوض، جوامع فردگرا دارای پیوندهایی در میان افراد هستند که فراتر از یک گروه خاص گسترش می‌یابد، و پیوندهای فراتر از درون گروه از طریق مبادله بازار تشویق می‌شوند. گورودنیچنکو و رولاند (۲۰۱۱) فردگرایی را نه صرفاً به عنوان یک رفتار، بلکه به عنوان یک ویژگی فرهنگی توصیف می‌کنند که در آن، افراد به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند که ارزش‌ها و هنجارهای ناظر بر خودمختاری، مسئولیت فردی و استقلال شخصی در آن برجسته است. این چارچوب فرهنگی می‌تواند به پیامدهایی مانند ترجیح مراقبت از خود و نزدیکان، و فاصله گرفتن از ادغام شدید در گروه‌های منسجم منجر شود. بنابراین، آنچه به عنوان کاهش همبستگی گروهی دیده می‌شود، نه خود فردگرایی، بلکه یکی از آثار ثانویه‌ی آن در برخی زمینه‌های اجتماعی است. جوامع فردگرا برای آزادی، فرصت، پیشرفت و به رسمیت شناختن فردی ارزش قائل هستند. جوامع جمع‌گرا برای هماهنگی، همکاری و روابط با مافوق ارزش قائل هستند. یعنی فردگرایی معیار آزادی شخصی در مقابل گروه گرایی است (Hofstede، ۲۰۱۱: ۹۲).

¹ Triandis

² Franke et al.

مکانیسم مستقیم اثر گذاری فردگرایی بر بخشش

کانال مستقیمی که از طریق آن فردگرایی بر خیریه و میزان بخشش در جامعه تأثیر می گذارد، بر چگونگی تأثیر فردگرایی بر هنجارها و ترجیحات تأثیرگذار بر بخشش متمرکز است، که یک اثر فرهنگی است و نه صرفاً یک اثر غیرمستقیم بازاری یا درآمدی. بخشش اجتماعی یک انگیزه تا حدی منفعت طلبانه دارد (Andreoni، ۲۰۰۶: ۱۲۲۰). تئوری مطرح شده در این رابطه این است که فردگرایی با کاهش محدودیت‌های اجتماعی در برابر بخشش‌های منفعت‌خواهانه، کمک‌های خیریه را افزایش می‌دهد. هنجارهای فردگرایانه، مزایای روانی را که فرد از انجام کمک‌های خیریه و بخشش‌های عمومی کسب می‌کند و همچنین منفعتی که از تأیید عمومی این فعالیت‌ها حاصل می‌شود افزایش می‌دهد. چنین هنجارهایی به این معنی است که بخشش‌کنندگان نه تنها از افزایش عرضه کل برخی از کالاهای عمومی با بودجه خصوصی، بلکه از عمل بخشش خود رضایت کسب می‌کنند. در غیاب توقع اجتماعی از مردم برای شرکت در فعالیت‌های خیریه، افرادی که به هر حال بخشش را انتخاب می‌کنند، آزادند تا از احساس با فضیلتی که در کنار خیرخواهی آنها به وجود می‌آید، لذت ببرند.

اقتصاد سیاسی لیبرال توجهی اضافی برای تأثیرات مستقیم فردگرایی بر فعالیت‌های خیریه ارائه می‌دهد. هایک (۱۹۸۲) بیان می‌کند «آزادی در تعقیب اهداف به همان اندازه که برای افراد نودوست مهم است، به همان اندازه برای خودخواه‌ترین افراد نیز مهم است». به همین ترتیب، ماندویل^۱ (۱۹۸۸) فعالیت‌های خیریه را به عنوان «آن فضیلتی می‌داند که به وسیله آن بخشی از عشق خالصانه که ما به خودمان داریم خالص و غیرقابل اختلاط به دیگران می‌شود» فضیلتی که اغلب می‌توان آن را با علایق دیگر مانند ترحم (برای کسانی که از خودمان کمتر خوش شانس هستند) جعل کرد.

پذیرش فرهنگی انجام کارهای خوب برای دیگران به دلایل صرفاً خودخواهانه بسیار مهم است، زیرا وقتی افراد بر اساس منافع شخصی رفتار می‌کنند، ممکن است در مورد آن احساس گناه کنند. در واقع، اغلب به انجام کارهایی که به نفع خودمان هستند، ننگ وجود دارد، حتی اگر چنین رفتاری به خیر جمعی کمک کند (Brennan and Jaworski، ۲۰۱۵: ۱۱۴). به همین ترتیب، فرهنگ‌های فردگرایانه ممکن است استفاده از مشوق‌ها را برای

¹ Mandeville

جمع آوری سرمایه تشویق کنند. اگرچه موسسات خیریه ممکن است انگیزه های مثبتی را برای افزایش میزان بخشش ها ارائه دهند، بخشش کنندگان ممکن است این ذهنیت را داشته باشند که اهدای جوایز انگیزه صادقانه آن ها را از بین می برد (Barasch et al, ۲۰۱۶: ۱۳۹۱). بر همین اساس، راه هایی وجود دارد که از طریق آن جوامع فردگرا می توانند افراد را به سمت مشارکت بیشتر در فعالیت های خیریه سوق دهند. استور و جان^۱ (۲۰۲۰)، خاطرنشان می کند که روحیه جان بخشیدن به سرمایه داری مدرن اروپای غربی و آمریکای شمالی تا حدی یک «زهد دنیوی» است که انباشت ثروت و دنبال کردن سود مشروع را به خاطر خود ارزش می بخشد، اما افراط در مصرف مادی و اوقات فراغت که ثروت امکان آن را می دهد تقبیح می کند. علاوه بر این، تأکید بر فضایل اخلاقی همچون احتیاط، متانت و صداقت می تواند افراد ثروتمند را از حمایت از خویشاوندان بی بضاعت منصرف کند، چرا که این ویژگی ها اغلب بر رفتارهای محافظه کارانه و خودداری از خطر تأکید دارند. در چارچوب این دیدگاه، افرادی که بر این فضایل تأکید دارند ممکن است ترجیح دهند منابع خود را به جای بخشش به دیگران، در جهت تأمین امنیت مالی و اجتماعی خود و نزدیکانشان استفاده کنند. همچنین، چنین فضیلت هایی می توانند باعث کاهش تمایل به حمایت از افراد نیازمند شوند، چرا که این افراد ممکن است چنین حمایت هایی را به عنوان نوعی ریسک مالی یا اخلاقی در نظر بگیرند که با اصول احتیاطی مغایرت دارد (Richardson, ۲۰۰۴: ۱۴۵). در عوض، این روحیه افراد را تشویق می کند تا بر حفظ پاکی وجدان فردی خود تمرکز کنند. در چنین چارچوب فرهنگی، بخشش سخاوتمندانه به اهداف خیر، مورد تاییدترین راه اجتماعی برای نشان دادن ظرفیت انباشت ثروت است. اگرچه این گزارش ممکن است مختص ظهور سرمایه داری در اروپای غربی و آمریکای شمالی باشد (و بر این هنجارها را با ظهور پروتستانیزم مرتبط می دانست)، این احتمال وجود دارد که چارچوب های فرهنگی با ویژگی های مشترک در شرایط دیگر نیز این رویکرد پدیدار شوند.

مکانیزم غیر مستقیم اثر گذاری فردگرایی بر بخشش

فردگرایی ممکن است به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر فعالیت های بازار به تقویت فعالیت های خیریه کمک کند. مکانیزم این اثرگذاری از این قرار است که در جوامع فردگرا، افراد به طور طبیعی بیشتر در تعاملات اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر مشارکت

¹ Storr and John

می‌کنند و به دلیل اهمیت روابط فردی، همدلی و اعتماد در چنین جوامعی تقویت می‌شود. طبق نظریه آدام اسمیت (۱۹۸۲)، تجارت و بازار به‌عنوان بسترهایی برای روابط اجتماعی سالم عمل می‌کنند. در این بسترها، افراد به دلیل نیاز به تأمین منافع شخصی خود و ارتباطات اقتصادی، به یکدیگر وابسته می‌شوند و این وابستگی‌ها به تقویت احساس همدلی و اعتماد بین افراد می‌انجامد (Boettke and Smith، ۲۰۱۴: ۴۱).

این تعاملات موجب می‌شود که افراد تمایل بیشتری به رفتارهای نوع‌دوستانه و اخلاقی داشته باشند. به بیان دیگر، وقتی افراد در جوامع فردگرا به یکدیگر وابسته هستند، ارتباطات مبتنی بر اعتماد می‌تواند به افزایش تعاملات نوع‌دوستانه، از جمله بخشش اجتماعی و کمک‌های خیریه منجر شود. این فرآیند به‌ویژه در جوامعی که بازارها به شکل یکپارچه و متصل عمل می‌کنند، بیشتر به چشم می‌آید. در واقع، فعالیت‌های اقتصادی نه تنها به افراد کمک می‌کند که از یکدیگر منفعت ببرند، بلکه موجب تقویت اخلاق اجتماعی و همکاری میان افراد می‌شود (Forman-Barzilai، ۲۰۱۰: ۱۷؛ Paganelli، ۲۰۱۷: ۴۵۸).

در این زمینه، اسمیت و ویلسون^۱ (۲۰۱۹) اشاره کرده‌اند که «بازارها به‌طور غیرمستقیم از ظرفیت افراد برای همدلی و هم‌افزایی استفاده می‌کنند»، به این معنا که در جوامع فردگرا افراد به‌طور طبیعی بیشتر به یکدیگر اعتماد دارند. این اعتماد موجب تقویت رفتارهای اخلاقی، از جمله نوع‌دوستی، می‌شود. در جوامع فردگرا، افراد تمایل بیشتری به کمک به غریبه‌ها و نیازمندان دارند، زیرا در این جوامع، تعاملات اقتصادی و اجتماعی به‌طور طبیعی به تقویت روابط متقابل منجر می‌شود (Cowen، ۲۰۲۱: ۴۵).

چوی و استور^۲ (۲۰۱۹) نیز نشان داده‌اند که افراد در جوامع بازارگرا به‌طور متوسط بیشتر از جوامع غیربازاری کمک می‌کنند. این افزایش تمایل به بخشش در جوامع بازارگرا به دلیل وجود رقابت و نیاز به همکاری است. رقابت در بازار می‌تواند موجب تقویت رفتارهای اخلاقی و مسئولانه شود و در نتیجه، تمایل به فساد یا مادی‌گرایی کاهش می‌یابد. در چنین جوامعی، افرادی که از نظر اقتصادی به هم وابسته‌اند، بیشتر درگیر فعالیت‌های نوع‌دوستانه و خیریه می‌شوند. در واقع، مشارکت در بازار موجب می‌شود که افراد بیشتر درگیر فعالیت‌های اجتماعی شده و تمایل بیشتری به بخشش و حمایت از دیگران داشته باشند.

¹ Smith and Wilson

² Choi and Storr

این تأثیرات در تعاملات بازار، یک مزیت سرریز برای جوامع فردگرا است. زیرا این جوامع می‌توانند افراد را به سمت روابط بیشتر با غریبه‌ها سوق دهند و در نتیجه افراد نسبت به یکدیگر دلسوزتر می‌شوند. همچنین، تجارت به‌عنوان یک بستر اجتماعی، نه تنها فرصت‌هایی برای مبادلات اقتصادی فراهم می‌آورد، بلکه تعاملات مثبت اجتماعی را نیز تقویت می‌کند. این تعاملات موجب می‌شود که افراد به‌ویژه در زمینه‌های خیریه و کمک به دیگران، تمایل بیشتری به رفتارهای نوع‌دوستانه نشان دهند (Berggren and Nilsson, ۲۰۲۰: ۳۷۵).

به‌طور کلی، تعاملات بازار در جوامع فردگرا یک مکانیسم مؤثر برای تقویت بخشش اجتماعی و رفتارهای نوع‌دوستانه است. بازارها نه تنها فرصت‌هایی برای همکاری و تعاملات اقتصادی فراهم می‌آورند، بلکه با تقویت احساس همدلی و اعتماد میان افراد، آن‌ها را به سمت رفتارهای اخلاقی و مسئولانه سوق می‌دهند. در نتیجه، افراد در جوامع فردگرا به‌طور طبیعی تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های خیریه دارند و این تعاملات در نهایت به افزایش نوع‌دوستی و بخشش اجتماعی می‌انجامد.

بنابراین، فردگرایی به‌طور غیرمستقیم از طریق تقویت تعاملات اقتصادی و اجتماعی و ایجاد فضایی برای همکاری و اعتماد، موجب افزایش بخشش در جوامع می‌شود. این مکانیسم از طریق تأثیر بر فعالیت‌های بازار و تقویت روابط اجتماعی، افراد را به مشارکت بیشتر در فعالیت‌های خیریه ترغیب می‌کند و در نهایت موجب تقویت رفتارهای نوع‌دوستانه و اخلاقی در سطح جامعه می‌شود. در ادامه به بررسی این موضوع در قالب مطالعات انجام گرفته پرداخته می‌شود تا سابقه تجربی این ارتباط نیز روشن شود.

مرور پیشینه‌ها

در پژوهش‌های داخلی، گنجی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که اعتماد اجتماعی و تعلق اجتماعی ارتباط معناداری با مشارکت مردم در نیکوکاری دارد. این یافته‌ها به‌ویژه در جوامع فردگرا، که در آن‌ها افراد تمایل بیشتری به مشارکت در امور خیریه دارند، قابل مشاهده است. در این جوامع، استقلال شخصی و خودمختاری افراد باعث می‌شود که آن‌ها مسئولیت کمک به دیگران را بر عهده گیرند و به‌طور فعال در فعالیت‌های خیریه شرکت کنند. یادگاری و نائینی (۱۳۹۵) نیز تأکید کردند که باورهای مذهبی و انگیزه‌های فردی تأثیر زیادی بر مشارکت در طرح‌های خیریه دارند. در جوامع فردگرا، این انگیزه‌ها بیشتر به

دلایل شخصی و اخلاقی مربوط می‌شوند و احساس مسئولیت فردی ممکن است بر انگیزه‌های اجتماعی یا گروهی اولویت یابد. جهانیان (۱۳۹۶) نیز انگیزه‌های مختلف واقفان را بررسی کرد و نشان داد که برخی افراد به دلایل شخصی مانند نوع دوستی و شهرت در امور خیریه مشارکت می‌کنند. این انگیزه‌ها به‌ویژه در جوامع فردگرا، جایی که افراد به دلایل فردی و برای ارضای نیازهای خود در فعالیت‌های خیریه شرکت می‌کنند، مشاهده می‌شود. کاظمی نجف آبادی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی راهبردهای ارتقای بخش خیریه پرداخته و به این نکته اشاره کردند که گفتمان‌سازی در ارتباط با انفاق می‌تواند انگیزه‌های فردی را برای مشارکت در امور خیریه تقویت کند. این مطالعه نیز با مفاهیم فردگرایی هم‌راستاست، زیرا در جوامع فردگرا، افراد تمایل دارند تا برای ابراز نوع دوستی شخصی و کسب احترام فردی در فعالیت‌های خیریه مشارکت کنند. در نهایت، دلداری و همکاران (۱۴۰۱) تأکید کردند که باورهای مذهبی، به‌ویژه در جوامع فردگرا، مهم‌ترین عامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های خیریه است. افراد در این جوامع با تکیه بر اصول اخلاقی فردی و احساس مسئولیت شخصی، به مشارکت در امور خیریه پرداخته و آن را به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف فردی خود می‌بینند.

در سطح بین‌المللی، مطالعات متعددی به تأثیر دینداری بر رفتارهای خیریه پرداخته‌اند. باکیجا و همکاران^۱ (۲۰۰۳) نشان دادند که در جوامع مذهبی، باورهای دینی می‌توانند انگیزه‌های قوی برای انجام فعالیت‌های خیریه ایجاد کنند. در جوامع اسلامی، به‌ویژه، این باورهای دینی تأثیر زیادی بر رفتارهای خیرخواهانه دارند؛ چرا که شرکت در فعالیت‌های خیریه، به‌ویژه در ماه رمضان، به‌عنوان یک عمل دینی و انفاق مطرح است. دلاویگنا و همکاران^۲ (۲۰۱۲) نیز تأکید کردند که در جوامع مذهبی، فشار اجتماعی و هنجارهای اجتماعی از جمله عواملی هستند که افراد را به مشارکت در امور خیریه ترغیب می‌کنند. در این جوامع، فشارهای اجتماعی نه تنها عامل انگیزشی، بلکه ابزاری برای گسترش فعالیت‌های خیریه نیز به شمار می‌روند. ایبلینگ و همکاران^۳ (۲۰۱۷) نشان دادند که افراد در جوامع مذهبی کمک به دیگران را نه تنها به‌عنوان یک وظیفه اجتماعی، بلکه به‌عنوان یک عبادت می‌بینند که موجب نزدیکی بیشتر به خداوند می‌شود و تأثیر زیادی بر رفتارهای خیریه دارد.

¹ Bakija, J., Gale, W. G., & Slemrod, J

² DellaVigna, S., List, J. A., & Malmendier, U

³ Eibeling, M., Hoffmann, R., & Weber, M

استیونس و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در تحقیق خود نشان دادند که در جوامع مذهبی، مشارکت در امور خیریه بیشتر به دلیل اصول اخلاقی و دینی انجام می‌شود، به‌ویژه به دلیل فتوای دینی و اصول اخلاقی مذهبی که افراد را به کمک نیازمندان ترغیب می‌کند. در نهایت، کای و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به نقش دینداری به عنوان یک متغیر پنهان در جوامع مذهبی اشاره کردند که باعث تقویت مفاهیم فردگرایانه در مشارکتهای خیریه می‌شود، در حالی که گروه‌گرایی نیز همچنان نقش خود را در این زمینه ایفا می‌کند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، اگرچه در برخی تحقیقات داخلی و خارجی به بررسی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های خیریه و بخشش در سطح جامعه پرداخته شده است، اما اغلب این مطالعات به متغیرهایی مانند دین‌داری، اعتماد اجتماعی یا انگیزه‌های فردی توجه داشته‌اند، و کمتر به نوع نگرش فرد نسبت به خود و جامعه، یعنی فردگرایی یا گروه‌گرایی، پرداخته‌اند. در این میان، تنها مطالعه‌ای که به‌طور مستقیم به بررسی این بعد از هویت فردی پرداخته، پژوهش کای و همکاران (۲۰۲۲) است که رابطه بین فردگرایی دینی و رفتارهای بخشش را بررسی کرده است. مقاله حاضر نسبت به تحقیق کای و همکاران (۲۰۲۲) از جنبه‌های مختلفی نوآوری دارد. اولاً، تمرکز این پژوهش بر نقش فردگرایی فرهنگی و تأثیر آن بر بخشش در ایران است، در حالی که مطالعه کای و همکاران به تأثیرات فردگرایی در سطح جهانی پرداخته است. دوم اینکه، این تحقیق با استفاده از داده‌های فصلی ایران و مدل ARDL به بررسی اثرات بلندمدت و کوتاه‌مدت متغیرها پرداخته، در حالی که کای و همکاران رویکرد متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. همچنین، این پژوهش به‌طور خاص به روابط بین فردگرایی، آزادی اقتصادی و بخشش در جامعه ایران توجه کرده است.

روش‌شناسی

به منظور بررسی نقش هنجارهای اجتماعی فردگرایانه بر میزان بخشش افراد در جامعه، به تبعیت از کای و همکاران (۲۰۲۲)، از براورد مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$\text{Philanthropy}_t = c_0 + c_1 \text{ Individualism}_t + c_2 \text{ GDP}_t + c_3 \text{ Freedom}_t + c_4 \text{ GINI}_t + c_5 \text{ Education}_t + c_6 \text{ Corruption}_t + c_7 \text{ Government size}_t + e_t$$

¹ Stevens, J., Brown, C., & Morris, R.

² Cai et al

متغیر وابسته:

سطح بخشش در جامعه (philanthropy): به منظور اندازه گیری سطح بخشش در جامعه، از شاخص جهانی بخشش^۱ استفاده می شود. این شاخص به سه معیار بخشش به غریبه ها، بخشش پولی^۲ و بخشش زمان و با روش نمونه گیری تصادفی کشورهای مختلف اندازه گیری می شود. مقادیر بیشتر این شاخص نشان دهنده رفتار انسان دوستانه بیشتر در نتیجه میزان بخشش بالاتر است. داده های مربوط به این متغیر از مجموعه کتاب های شاخص جهانی بخشش^۳ استخراج شده است.

متغیر مستقل:

معیار فردگرایی (Individualism): برای سنجش سطح فردگرایی در کشورهای مختلف، از شاخص فردگرایی-جمع گرایی هافستد (۲۰۰۱) استفاده می شود که میزان پیوند افراد با گروه های اجتماعی را نشان می دهد؛ به گونه ای که در جوامع فردگرا، افراد پیوندهای سست تری دارند و مسئولیت مراقبت از خود و خانواده نزدیک را شخصاً بر عهده می گیرند، در حالی که در جوامع جمع گر، روابط درون گروهی قوی تر و حمایتی تر است. با این حال، در پژوهش حاضر، تمرکز بر نوع خاصی از فردگرایی است که نه به معنای خودمحوری یا بی تفاوتی اجتماعی، بلکه به عنوان مجموعه ای از هنجارهای اخلاقی و فرهنگی شناخته می شود که فرد را در مرکز کنش اجتماعی قرار می دهد. بنابراین، گرچه از شاخص هافستد به عنوان ابزار سنجش استفاده شده، اما تأکید اصلی بر نقش ارزش ها و مسئولیت پذیری فردی در رفتارهای نوع دوستانه و بخشش، به ویژه در بافت فرهنگی ایران است. به صورت کلی، شاخص فردگرایی-جمع گرایی میزان پذیرش و تقویت جامعه از ارزش های فردگرایانه در مقابل جمع گرایی را اندازه گیری می کند که از ۰ (جمعی ترین) تا ۱۰۰ (فردگرایان) متغیر است. داده های این متغیر از پایگاه داده ای World Values Survey استخراج می شود.

¹ Charities Aid Foundation (CAF)

^۲ در این میان، بخشش به غریبه ها به معنای کمک یا یاری رسانی مستقیم به افرادی است که فرد آن ها را نمی شناسد (مانند کمک به فردی ناآشنا در خیابان یا کمک رسانی در شرایط اضطراری). در حالی که بخشش پولی مشخصاً به کمک مالی به نهادهای سازمان های خیریه یا افراد نیازمند اطلاق می شود، صرف نظر از اینکه فرد گیرنده را می شناسد یا خیر. این شاخص از طریق نظر سنجی های میدانی و نمونه گیری تصادفی در کشورهای مختلف گردآوری می شود.

³ Charities Aid Foundation data base

متغیرهای کنترل:

سطح درآمد کشور (GDP): بر اساس مقدار رشد تولید ناخالص داخلی سرانه کشور تعریف و محاسبه می شود. داده های این متغیر از پایگاه داده ای بانک جهانی WDI استخراج می شود.

آزادی اقتصادی (Freedom): بر اساس شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هرترجیج تعریف و محاسبه می شود.

نابرابری درآمدی (GINI): بر اساس معیار ضریب جینی تعریف و محاسبه می شود. داده های این متغیر از پایگاه داده ای بانک جهانی WDI استخراج می شود.

سطح آموزش (Education): بر اساس نرخ فارغ التحصیلان دانشگاهی در کشور تعریف و محاسبه می شود. داده های این متغیر از پایگاه داده ای بانک جهانی WDI استخراج می شود.

سطح فساد (Corruption): بر اساس شاخص کنترل فساد اندازه گیری می شود. داده های این متغیر از پایگاه داده ای بانک جهانی WDI استخراج می شود.

اندازه دولت (Government size): به صورت سهم مخارج مصرفی دولت از GDP تعریف و محاسبه می شود. داده های این متغیر از پایگاه داده ای بانک جهانی WDI استخراج می شود.

با وجود تمرکز اصلی این پژوهش بر نقش هنجارهای فردگرایانه در تبیین رفتارهای نوع دوستانه و بخشش در جامعه، لازم به تأکید است که مفاهیمی چون ایثار، انفاق، وقف، عدالت اجتماعی و مسئولیت پذیری جمعی که ریشه در فرهنگ جمع گرایانه دارند، به صورت ضمنی در تحلیل های فرهنگی-اجتماعی پژوهش لحاظ شده اند. این مفاهیم، به ویژه در بافت فرهنگی ایران، بخشی جدایی ناپذیر از زمینه های اخلاقی و ارزشی جامعه محسوب می شوند که می توانند به شکل گیری رفتارهای خیرخواهانه کمک کنند. با این حال، به دلیل محدودیت های داده ای در خصوص سنجش کمی و استاندارد این مفاهیم در پایگاه های داده ای بین المللی مانند World Values Survey و WDI، امکان بررسی مستقیم و تجربی آن ها در قالب مدل رگرسیونی تحقیق فراهم نبوده است. با این وجود، پژوهش حاضر بر این باور است که فردگرایی در شکل فرهنگی و ارزشی خود در ایران، الزاماً در تقابل با

مفاهیم جمع‌گرایانه نیست و می‌تواند در تعامل با آنها، به بروز رفتارهای بشردوستانه و بخشش اجتماعی منجر شود.

علاوه بر این، با توجه به این که داده‌های مربوط به متغیرهای بخشش در جامعه و فردگرایی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ برای کشور ایران منتشر شده و در دسترس می‌باشد، دوره زمانی تحقیق نیز از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ بر اساس داده‌های با تواتر فصلی در نظر گرفته شده است. همچنین لازم به ذکر است از فرم لگاریتمی متغیرها در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

منبع گردآوری داده‌ها، کتاب‌های شاخص جهانی بخشش (Charities Aid Foundation data base)، پایگاه داده‌ای World Values Survey، پایگاه داده‌ای بنیاد هریتج و سایت بانک جهانی WDI می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی ARDL استفاده شده است. کلیه تجزیه و تحلیل‌ها با کمک نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۲ انجام گرفته است.

یافته‌ها

آمار توصیفی

در این بخش، به تحلیل آمار توصیفی و روند نموداری دو متغیر اصلی تحقیق، یعنی سطح بخشش در جامعه و معیار فردگرایی برای کشور ایران پرداخته می‌شود:

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	تعداد مشاهدات
بخشش	0/32	0/09	0/20	0/45	48
فردگرایی	52/45	6/38	40/00	64/00	48
رشد اقتصادی	3/10	6/12	4/20	-1/50	48
آزادی اقتصادی	6/12	1/02	4/50	8/30	48
نابرابری درآمدی	38/62	4/50	28/00	47/00	48
سطح آموزش	62/45	5/35	50/00	75/00	48
فساد	3/55	0/75	2/00	5/00	48
اندازه دولت	12/45	2/20	8/50	16/00	48

منبع: یافته های پژوهش

همان طور که مشاهده می شود، سطح بخشش در جامعه ایران با میانگین $0/32$ و انحراف معیار $0/09$ نشان دهنده نوسانات نسبتاً کم در میزان بخشش است. این نشان می دهد که رفتارهای نوع دوستانه در ایران در سطحی متوسط قرار دارند. فردگرایی با میانگین $52/45$ و انحراف معیار $6/38$ نشان دهنده گرایش نسبی جامعه ایران به فردگرایی است. این میزان نشان می دهد که ایران در میان کشورهای فردگرا قرار دارد، اما هنوز اثرات جمع گرایی در فرهنگ آن مشاهده می شود. سایر متغیرها همچون رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی، نابرابری درآمدی، سطح آموزش، فساد و اندازه دولت نیز با نوسانات مختلفی مواجه هستند که از میانگین های مناسبی برای تحلیل رفتار اجتماعی و اقتصادی ایران در این دوره زمانی حکایت دارند.

آزمون مانایی

در این قسمت مانایی متغیرها مورد بحث قرار می گیرد. برای این منظور از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) بهره گیری شده است.

جدول ۲. نتایج مربوط به آزمون مانایی متغیرها

متغیر	نماد	آماره دیکی فولر تعمیم یافته	احتمال	نتیجه
Philanthropy	بخشش	-۳/۱۷	۰/۰۲۸۳	مانا با یک تفاضل
INDIVIDUALISM	فردگرایی	-۳/۲۸	۰/۰۲۱۸	مانا در سطح
GDP	رشد اقتصادی	-۳/۳۳	۰/۰۱۹۲	مانا در سطح
FREEDOM	آزادی اقتصادی	-۱/۹۸	۰/۰۴۶۳	مانا با یک تفاضل
GINI	نابرابری درآمدی	-۱/۹۸	۰/۰۴۵۴	مانا با یک تفاضل
EDUCATION	سطح آموزش	-۲/۹۸	۰/۰۴۳۹	مانا با یک تفاضل
CORRUPTION	فساد	-۳/۸۴	۰/۰۲۹۱	مانا با یک تفاضل
Gsize	اندازه دولت	-۳/۰۷	۰/۰۳۵۵	مانا با یک تفاضل

منبع: یافته های پژوهش

نتایج مانایی نشان می دهد که چون سطح معناداری آزمون برای تمامی متغیرهای فردگرایی و رشد اقتصادی کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، لذا فرض مبنی بر وجود ریشه واحد در سری ها را رد کرده و این داده ها در سطح مانا هستند و سایر متغیرهای تحقیق با یک مرتبه تفاضل گیری مانا می شوند. چون داده ها ترکیبی از متغیرهای مانا در سطح و مانا با یک مرتبه تفاضل گیری هستند، می توان از روش ARDL جهت برآورد الگوی تحقیق استفاده نمود.

برآورد مدل

پیش از برآورد مدل نیاز است تا تعداد وقفه بهینه جهت تخمین مدل مشخص شود. برای این منظور نتایج آزمون تعیین وقفه بهینه در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۳. نتایج آزمون تعیین وقفه بهینه

تعداد وقفه	آماره AIC	آماره SC	آماره HQ
0	36/86	37/18	36/98
1	9/51*	12/40*	10/59*
2	9/60	15/06	11/64

منبع: یافته های تحقیق

همان طور که مشاهده می شود بر اساس معیار شوارتز بیزین (SC) و حنان کوئین (HQ)، وقفه یک به عنوان وقفه بهینه در نظر گرفته شده است. در ادامه برآورد مدل پویای ARDL به صورت زیر انجام می شود:

$$\text{Philanthropy} = 0.25 + 1/18 \text{ Philanthropy}(-1) + 0.33 \text{ Individualism} + 0/007 \text{ GDP} + 1/32 \text{ Freedom} + 0/44 \text{ GINI} + 0/84 \text{ Education} - 0/39 \text{ Corruption} + 0/29 \text{ Government size}$$

پس از تخمین مدل پویای ARDL، باید وجود ارتباط بلند مدت بین متغیرها آزمون شود. به منظور آزمون وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهای تحقیق، از آزمون باند استفاده می شود که نتایج آن در جدول ۴ گزارش شده است:

جدول ۴. نتایج آزمون باند

سطح معناداری	کرانه پایین (10)	کرانه بالا (11)
۱۰ درصد	۱/۷۰	۲/۸۳
۵ درصد	۱/۹۷	۳/۱۸
۲/۵ درصد	۲/۲۲	۳/۴۹
۱ درصد	۲/۵۴	۳/۹۱
مقدار آماره F محاسباتی: ۴۱/۲۵		

منبع: یافته های تحقیق

همان طور که از جدول فوق مشخص است، مقدار آماره F محاسباتی (۴۱/۲۵) از کرانه بالای مربوط به سطح اطمینان ۱ درصد، ۲/۵ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد بزرگ تر است، بنابراین وجود رابطه بلند مدت در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید است. بعد از طی مراحل فوق، ضرایب بلند مدت بر اساس مدل برآورد شده ARDL تخمین زده شد. نتایج این تخمین در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج اثرات بلند مدت الگوی تحقیق

سطح معنی داری	آماره t	انحراف معیار	ضریب متغیر	متغیر
0/0000	5/601	0/078	0/439	INDIVIDUALISM
0/0022	3/326	0/001	0/004	GDP
0/0012	3/558	0/328	1/169	FREEDOM
0/0009	3/659	0/234	0/858	GINI
0/0313	2/249	0/132	0/298	EDUCATION
0/0000	-5/864	0/058	-0/342	CORRUPTION
0/0052	2/990	0/293	0/878	Gsize

منبع: یافته های تحقیق

نتایج مدل برآورد شده نشان می دهد که متغیرهای فردگرایی، رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی، نابرابری درآمدی، سطح آموزش، فساد و اندازه دولت تأثیرات معناداری بر سطح بخشش در ایران دارند. به طور خاص، افزایش یک درصدی در فردگرایی موجب افزایش ۰/۴۳ درصدی در بخشش می شود (سطح معناداری ۱ درصد). همچنین، افزایش یک درصدی در رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی به ترتیب موجب افزایش ۰/۰۰۴ درصد و ۱/۱۶ درصد در بخشش می شود که هر دو در سطح ۱ درصد معنادار هستند. نابرابری درآمدی

و اندازه دولت نیز تأثیر مثبت و معناداری به ترتیب به میزان ۰/۸۵ درصد و ۰/۸۷ درصد بر بخشش دارند (سطح معناداری ۱ درصد). سطح آموزش نیز با تأثیر مثبت ۰/۲۸ درصدی در سطح معناداری ۵ درصد بر بخشش تأثیر گذار است. در مقابل، فساد تأثیر منفی ۰/۳۴ درصدی بر سطح بخشش دارد که در سطح ۱ درصد معنادار است.

بعد از ارائه نتایج برآورد الگوی بلند مدت، به منظور تکمیل تحلیل‌ها و فهم بهتر دینامیک تأثیرات متغیرهای مختلف بر سطح بخشش، ضروری است که نتایج این برآوردها در زمینه مدل تصحیح خطا (ECM) بررسی شود:

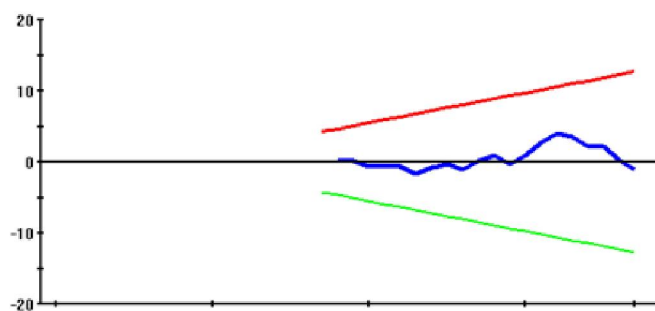
جدول ۶: نتایج برآورد مدل تصحیح خطا ECM

سطح معنی داری	آماره t	انحراف معیار	ضریب متغیر	متغیر
0/0001	-3/234	0/084	-0/272	INDIVIDUALISM

منبع: یافته‌های تحقیق

ضریب ECM برابر با ۰/۲۷۲- است که به طور معنی‌داری در سطح ۱ درصد منفی است. این نشان می‌دهد که مدل با سرعتی معقول به تعادل بلندمدت خود باز می‌گردد. به عبارت دیگر، اگر سیستم از تعادل بلندمدت منحرف شود، به طور میانگین ۲/۷۲ درصد از انحرافات در یک دوره زمانی به حالت تعادل بازخواهد گشت. به منظور بررسی ثبات پارامترها و واریانس مدل از آزمون مجموع تجمعی پسماندهای بازگشتی (CUSUM) استفاده شده است.

Plot of Cumulative Sum of Recursive Residuals



The straight lines represent critical bounds at 5% significance level

شکل ۱. آزمون مجموع تجمعی پسماندهای بازگشتی

نتایج آزمون CUSUM در نمودار (۱) نشان داده شده است. با توجه به این که مسیر حرکت پسماندهای بازگشتی یا St از محدوده دو خط خارج نشده است، بنابراین در سطح احتمال ۹۵ درصد فرضیه بی ثباتی پارامترها رد می شود. بنابراین ثبات دائمی بلند مدت برای پارامترهای مدل طی دوره مورد بررسی قابل قبول است. به عبارت دیگر در مدل هیچ شکست ساختاری مشاهده نمی شود.

آزمون فرضیات کلاسیک

در این قسمت به ارائه نتایج مربوط به آزمون فروض کلاسیک حداقل مربعات برای الگوی تحقیق پرداخته می شود.

- آزمون نرمالیتی:

نتایج حاصل از آزمون نرمالیتی مربوط به الگوی تحقیق در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۷. نتایج آزمون نرمالیتی الگوی پژوهش

آزمون	آماره جاک برا	احتمال
نرمالیتی	۸۵/۰	۶۵۲۳/۰

منبع: یافته های تحقیق

در آزمون نرمالیتی، فرض صفر بیان می کند که اجزای باقیمانده مدل رگرسیونی نرمال هستند. با توجه به این که احتمال آماره جاک برا مدل های پژوهش بزرگ تر از سطح خطای ۵ درصد می باشد، نشان می دهد فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای باقیمانده مدل های رگرسیونی تأیید می گردد.

- آزمون ناهمسانی واریانس

در این پژوهش به منظور بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون آرچ استفاده شده است. در صورتی که مدل دچار ناهمسانی واریانس باشد.

جدول ۸. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس مدل پژوهش

آماره آزمون	احتمال	نتیجه
۲۴/۰	۶۲۰۶/۰	عدم ناهمسانی واریانس

منبع: یافته های تحقیق

نتایج مندرج در ۸ نشان می دهد که احتمال آماره محاسبه شده در آزمون بروش پاگان گادفری برای مدل پژوهش بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد از این رو فرضیه H_0 این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس رد نمی شود.

- آزمون همخطی:

برای بررسی عدم وجود هم خطی در نتایج مدل از نرم افزار ایویوز و آزمون وی آی اف^۱ استفاده شده است. در حالت عدم وجود هم خطی، مقدار ضریب وی آی اف برابر ۱ است. به طور کلی چنانچه مقدار وی آی اف برای هر یک از ضرایب کمتر از ۱۰ باشد، مشکل هم خطی قابل اغماض است:

جدول ۹. نتایج مربوط به بررسی هم خطی متغیرها

متغیر	ضریب VIF
CAFQ(-1)	0/000263
INDIVIDUALISMQ	0/000515
INDIVIDUALISMQ(-1)	0/001020
GDPQ	0/000595
FREEDOMQ	0/017587
FREEDOMQ(-1)	0/020995
GINIQ	0/010635
GINIQ(-1)	0/011577
EDUCATIONQ	0/009560
EDUCATIONQ(-1)	0/010226
CORRUPTIONQ	0/006911
CORRUPTIONQ(-1)	0/007157
GSIZEQ	0/009343
GSIZEQ(-1)	0/006895
C	1/788013

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به یافته ها، از آنجا که وی آی اف ضرایب مدل برآورد شده کوچک تر از عدد ۱۰ می باشد، لذا نتیجه گرفته می شود که میزان هم خطی در بین متغیرهای توضیحی در حد مطلوب می باشد.

¹ VIF

- آزمون همبستگی:

نتایج حاصل از آزمون همبستگی LM مقادیر خطای مربوط به الگوی پژوهش در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۱۰. نتایج آزمون همخطی مقادیر خطاها

آماره LM	احتمال	نتیجه
۰/۷۶	۰/۴۷۲۰	عدم خودهمبستگی

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به این که مقدار احتمال مربوط به متغیر مورد نظر، بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد، فرض صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی مقادیر خطاها مورد تأیید قرار می گیرد.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر فردگرایی و هنجارهای مربوط به آن بر میزان بخشش در کشور ایران طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ بر اساس داده های با تواتر فصلی بود. نتایج نشان داد که فردگرایی کمک های خیریه را از دو کانال افزایش می دهد. در کانال مستقیم، دادن منافع شخصی را از نظر اجتماعی قابل قبول تر می کند. کانال غیر مستقیم به فردگرایی، آزادی اقتصادی و مفهوم لیبرال کلاسیک دایره گسترده همدردی مربوط می شود. نتایج تجربی تحقیق حاضر نشان می دهد که فردگرایی در واقع با سطوح بالاتری از اهدای خیریه و بخشش های داوطلبانه همراه است.

نتایج این تحقیق موید چند نکته کلیدی و قابل تأمل است. نخست، برخلاف نگرش رایج که فردگرایی را تهدیدی برای اخلاق اجتماعی و مشارکت همدلانه می داند، یافته های این پژوهش نشان می دهد که فردگرایی - در معنای فرهنگی آن به عنوان مجموعه ای از ارزش هایی که مسئولیت پذیری فردی و استقلال کنش را تقویت می کنند - می تواند بستر مناسبی برای رشد رفتارهای اخلاقی و داوطلبانه مانند بخشش فراهم آورد. در چارچوب مدل برآورد شده در پژوهش، اثر مثبت و معنادار متغیر فردگرایی بر سطح بخشش، نشان دهنده فعال شدن مکانیسم مستقیم است: فردگرایی با تقویت انگیزه های درونی، احساس مسئولیت فردی و خودانگیختگی افراد را در مشارکت های خیریه افزایش می دهد. این نتیجه با یافته های کای و همکاران (۲۰۲۲) همخوان است که نشان دادند فردگرایی می تواند نوع خاصی از

انگیزه‌های نوع‌دوستانه مبتنی بر اختیار و مسئولیت فردی را تقویت کند. از سوی دیگر، اثر مثبت آزادی اقتصادی بر بخشش، مؤید مکانیسم غیرمستقیم است که طی آن فردگرایی با فراهم‌سازی بسترهای نهادی و اقتصادی برای آزادی انتخاب و کنش داوطلبانه، فضای مناسبی برای رشد فعالیت‌های خیرخواهانه ایجاد می‌کند. این تحلیل با دیدگاه برنان و جاورسکی (۲۰۱۵) که تأکید دارند بازار آزاد می‌تواند فضایی برای شکوفایی فضایل اخلاقی مانند سخاوت فراهم کند، هم‌راستا بوده است.

در سطح کلان‌تر، این نتایج نشان می‌دهد که رابطه میان فردگرایی، سرمایه‌داری و رفاه اجتماعی پیچیده‌تر از تصورات انتقادی رایج است. فردگرایی نهادینه‌شده، به‌ویژه زمانی که با آزادی اقتصادی همراه می‌شود، می‌تواند به شکل‌گیری نظم اخلاقی مبتنی بر کنش داوطلبانه کمک کند، نه آنکه الزاماً منجر به خودمحوری و زوال ارزش‌های جمعی شود. این یافته‌ها با دیدگاه گرونیچنکو و رولان (۲۰۱۱) نیز همسوست که فردگرایی را نه تنها عامل رشد اقتصادی بلکه عامل تقویت کنش‌های مستقل و اخلاق‌محور فردی معرفی کرده‌اند. افزون بر این، با توجه به روند فزاینده فردگرایی در جوامع معاصر، نتایج این پژوهش تبیینی معتبر برای افزایش مشارکت‌های خیریه طی دهه‌های اخیر ارائه می‌کند. در نهایت، از منظر سیاست‌گذاری، می‌توان نتیجه گرفت که حمایت از سیاست‌هایی که هم‌زمان بر ترویج هنجارهای فردگرایانه اخلاقی و توسعه نهادهای اقتصادی آزاد تأکید دارند، می‌تواند منجر به ارتقاء رفتارهای همدلانه و تقویت حوزه خیریه در جامعه شود. از این منظر، منتقدان سرمایه‌داری ممکن است در نسبت دادن ریشه‌های رفتارهای غیراخلاقی به فردگرایی، دچار ساده‌انگاری تحلیلی شده باشند.

منابع

- دلدار، ابراهیم و باقری راغب، قدرت الله و شهیر توفیق، آریتا. (۱۴۰۱). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های خیریه از سوی خیرین ورزش یار. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۱(۵۶)، ۲۲۸-۲۱۳.
- کاظمی نجف آبادی، مصطفی و حسینی، سیدرضا. (۱۳۹۸). راهبردها و راهکارهای ارتقای بخش خیریه. *معرفت اقتصاد/سلامی*، ۱۱(۱)، ۹۱-۱۰۹.

گنجی، محمد، علیزاده، حسین، و فراهانی، سارا. (۱۳۹۴). تأثیر اعتماد اجتماعی و تعلق اجتماعی بر مشارکت در نیکوکاری: مورد مطالعه ایران. *مجله پژوهش‌های اجتماعی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۴۵-۶۰.

یادگاری، سارا، و نائینی، حسین. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر باورهای مذهبی و انگیزه‌های فردی بر مشارکت در طرح‌های خیریه. *مجله مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، ۸(۲)، ۷۵-۹۰.

جهانیان، محمد (۱۳۹۶). تحلیل انگیزه‌های واقفان در جوامع فردگرا و جمع‌گرا. *نشریه علوم انسانی و اجتماعی*، ۲۰(۴)، ۱۳۵-۱۲۰.

References

- Andreoni, J. (2006). *Chapter 18 Philanthropy. Handbook of the economics of giving, altruism and reciprocity* (Vol. 2, pp. 1201–1269) doi:10.1016/S1574-0714(06) 02018-5.
- Barasch, A., Berman, J.Z., Small, D.A. (2016). When payment undermines the pitch: on the persuasiveness of pure motives in fund-raising. *Psychol. Sci.* 27 (10), 1388–1397.
- Bakija, J., Gale, W. G., & Slemrod, J. (2003). Charitable bequests and taxes on inheritances and estates: Evidence from across states and time. *American Economic Review*, 93(2), 288–292.
- Berggren, N., Nilsson, T. (2020). *Economic freedom and antisemitism*. J. Institutional Econ..
- Boettke, P.J., Smith, D.J. (2014). *The theory of social cooperation historically and robustly contemplated. Commerce and Community: Ecologies of Social Cooperation*, pp. 38–55.
- Boettke, P.J., Storr, V.H. (2002). Post-classical political economy: polity, society and economy in Weber, Mises and Hayek. *Am. J. Econ. Sociol.* 161–191.
- Brennan, J., Jaworski, P. (2015). *Markets without limits: moral virtues and commercial interests*. Routledge.
- Charities Aid Foundation. (2022). *World Giving Index 2022: A Global View of Giving Trends*. London: CAF.
- Choi, G.S., Storr, V.H. (2021). The market as a process for the discovery of whom not to trust. *J. Institutional Econ.* 1–16. doi:10.1017/S1744137421000370.

Cowen, T. (2009). In praise of commercial culture. Harvard University Press.
Coyne, C.J., Williamson, C.R., 2012. Trade openness and cultural creative destruction. *J. Entrepreneurship Public Policy* 1 (1), 22–49.

DellaVigna, S., List, J. A., & Malmendier, U. (2012). Testing for altruism and social pressure in charitable giving. *Quarterly Journal of Economics*, 127(1), 1–56.

Eibeling, M., Hoffmann, R., & Weber, M. (2017). The impact of perceived status of fundraisers on charitable giving. *Journal of Behavioral Decision Making*, 30(2), 245–258.

Forman-Barzilai, F. (2010). *Adam Smith and the circles of sympathy: cosmopolitanism and moral theory*. Cambridge University Press, Cambridge, UK ; New York.

Franke, R.H., Hofstede, G., Bond, M.H. (1991). Cultural roots of economic performance: a research note. *Strategic Manage. J.* 12 (S1), 165–173. Frey, B.S., Stutzer, A., 2010. *Happiness and public choice*. *Public Choice* 144 (3–4), 557–573.

Hayek, F.A., 1948. Individualism and economic order. University of Chicago Press, Chicago.

Hofstede, G., 2001. Culture's consequences: comparing values, behaviors, institutions and organizations across nations. Sage publications.

Hofstede, G., 2011. Dimensionalizing cultures: the Hofstede model in context. *Online Readings Psychol. Culture* 2 (1), 8.

Meina Cai and Gregory W. Caskey and Nick Cowen and Ilia Murtazashvili and Jennifer Brick Murtazashvili and Raufhon Salahodjaev (2022) "Individualism, economic freedom, and charitable giving", *Journal of Economic Behavior & Organization*, 200, August 2022, 868-884.

Mandeville, B., 1988. The fable of the bees, or, Private vices, public benefits. Liberty Classics, Indianapolis.

Paganelli, M.P., 2017. We are not the center of the universe: the role of astronomy in the moral defense of commerce in Adam Smith. *History Political Econ.* 49 (3), 451–468. doi:10.1215/00182702-4193033.

Storr, V.H., John, A., 2020. Cultural considerations within Austrian economics. Cambridge University Press, New York.

Stevens, J., Brown, C., & Morris, R. (2020). Religion, ethics, and charitable behavior: A global perspective. *Journal of Social and Personal Relationships*, 37(5), 1123–1142.

Berlin, I. (1969). *Two concepts of liberty*. In I. Berlin, *Four essays on liberty* (pp. 118–172). Oxford University Press.

Hofstede, G. (1980). *Culture's consequences: International differences in work-related values*. Sage Publications.

Triandis, H. C. (1995). *Individualism and collectivism*. Westview Press.

Bellah, R. N., Madsen, R., Sullivan, W. M., Swidler, A., & Tipton, S. M. (1985). *Habits of the heart: Individualism and commitment in American life*. University of California Press.

Gorodnichenko, Y., & Roland, G. (2011). Individualism, innovation, and long-run growth. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 108(Supplement 4), 21316–21319.

Richardson, J. (2004). *The ethics of charitable giving: A philosophical analysis*. Cambridge University Press.